

بیانات در محفل انس با قرآن کریم - 12 / اسفند / 1403

بسم الله الرحمن الرحيم (۱)

و الحمد لله رب العالمين و الصلوة و السلام على سيدنا و نبينا ابى القاسم المصطفى محمد و على آله الاطيبين
الاطهرين المنتجبين سيما بقیة الله فى الارضين.

خدای متعال را بر تشکیل مجدد این جلسه و دیدار و شنیدار شیرین و زیبایی که این جلسه برای این حقیر دارد سپاسگزارم. و همچنین حمد میکنم خدا را، شکر میکنم خدای متعال را بر افزایش مستمر قرآن خوانان. امروز چشم ما و گوش ما روشن شد، حقیقتاً لذت بردیم از تلاوتهایی که انجام گرفت؛ از شهرهای مختلف، در سنین مختلف، با شیوه‌های مختلف، و همه قرآنی و همه تلاوتگر. از دیدن آقای روحانی‌نژاد (۲) هم خیلی خوشحال شدم؛ بعد از چهل و چند سال، دوباره صدای ایشان را شنیدیم؛ ایشان صدای فوق‌العاده‌ای داشتند آن وقت در دوره‌ی جوانی‌شان، در آن سنینی که ایشان شاگرد آقای مختاری (۳) بودند - خدا رحمت کند مرحوم آقای مختاری را - و آن صدای کذائی[شان]؛ الحمدلله. تبریک عرض میکنم ورود ماه مبارک رمضان را که حقیقتاً برای مؤمنین و قدرشناسان عید بزرگی است؛ از خدای متعال میخواهیم که این ماه رمضان را به معنای واقعی کلمه برای همه‌ی ملت ایران، برای همه‌ی شماها عید کند و مبارک کند.

آنچه به نظر بنده مهم است، این است که ما بتوانیم جامعه را - جامعه‌ی خودمان را در درجه‌ی اول - از سرچشمه‌ی تمام‌نشدنی قرآن سیراب کنیم. ما به این احتیاج داریم، بشدت هم محتاجیم. هم در زندگی فردی‌مان، زندگی شخصی‌مان، اخلاق‌مان، رفتارمان، سلوک‌مان اشکالاتی وجود دارد که با قرآن برطرف میشود، هم در زندگی جمعی‌مان که در زندگی جمعی هم، یک بخشی ارتباطات درون جامعه است - ارتباطاتمان با هم، همکاری‌هایمان، تعامل‌مان، محبت‌های طرفینی‌مان - یک بخشی هم مربوط به مواجهه‌ی با بیرون از جامعه است؛ اینها مسائل ما است. در همه‌ی اینها، هم در مسائل شخصی، هم در مسائل اجتماعی درون جامعه‌ای، و هم در مسائل اجتماعی مربوط به بیرون جامعه، در همه‌ی اینها ما ابتلائاتی داریم که این ابتلائات با قرآن برطرف میشود؛ قرآن میتواند ما را در این زمینه راهنمایی کند و دست ما را بگیرد.

حالا در زمینه‌ی ارتباط با بیرون جامعه، امروز ملت ایران مواجه است با یک جبهه‌ی وسیعی از قدرتمداران کافر یا منافق؛ این[جور] است. [ما] با ملتهای مشکلی نداریم. ملتهای با همدیگر یا برادرند، یا اگر هم بیگانه هستند کاری به هم ندارند. آن که کار به کار کشورها و ملتهای دارد، قدرتمدارانند. ما امروز جزو آن کشورهایی هستیم که با یک جبهه‌ی وسیعی از این قدرتمداران مواجهیم؛ چگونه با اینها رفتار بکنیم؟ قرآن متضمن چگونگی رفتار با اینها است: در چه مرحله با اینها حرف بزنیم؟ در چه مرحله دست همکاری بدهیم؟ در چه مرحله مشقت به دهان اینها بگوییم؟ در چه مرحله شمشیر بکشیم؟ همه‌ی اینها در قرآن مشخص است.

در زمینه‌ی مسائل اجتماعی درون جامعه‌ای - مسائل ارتباطات - خوب میدانید از نظر اسلام در تشکیل جامعه‌ی اسلامی، بعد از توحید و معارف و ارتباط با خدا، مهم‌ترین مسئله عدالت است، عدالت اجتماعی است. پیغمبران بعد از توحید، به هیچ چیز به قدر عدالت دعوت نکردند. ما در زمینه‌ی عدالت اجتماعی مشکلاتی داریم، راه‌حلش در قرآن است. در زمینه‌ی شخصی خودمان، احوال شخصی خودمان دچار امراض اخلاقی و روحی هستیم؛ نه فقط ما، همه‌ی بشریت امروز دچار این امراض روحانی و اخلاقی و معنوی هستند؛ دچار حسدند، دچار بخلند، دچار سوءظنند، دچار

تنبلی‌اند، دچار هواپرستی‌اند، دچار خودخواهی‌اند، دچار ترجیح منافع خود بر منافع جمعند؛ اینها هست؛ اینها در بین ما هم هست؛ ما هم جامعه‌ی اسلامی هستیم. در یک جاهایی پیشرفتهایی هم کرده‌ایم اما در عین حال از این بیماری‌ها هم داریم؛ علاجه‌اش در قرآن است. اگر تلاوت قرآن درست انجام بگیرد – که حالا مختصری یک اشاره‌ای خواهم کرد – تلاوت انجام بگیرد و استماع انجام بگیرد، این امراض برطرف میشود.

قرآن، هم علاج را به ما میگوید – درست توجه کنید – هم علاج را به ما میگوید و راه را به ما نشان میدهد، هم در ما انگیزه ایجاد میکند؛ این مهم است. خیلی‌ها هستند راه را بلدند [اما] انگیزه در آنها نیست و دستگاه‌های فکری و اخلاقی قادر نیستند در اینها انگیزه به وجود بیاورند؛ قرآن انگیزه به وجود می‌آورد. وقتی قرآن را خوب تلاوت کنند و خوب استماع کنیم و خوب در آن دقت کنیم، آن وقت این نتایج بزرگ برای ما حاصل خواهد شد، این بیماری‌ها برطرف خواهد شد. خود قرآن این را متذکر شده: هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ؛ تلاوت؛ آیات را تلاوت میکند. نتیجه‌ی تلاوت آیات چه میشود؟ وَ يَزَكِّيهِمْ؛ این آیات را که تلاوت میکند، اینها موجب تزکیه است. تزکیه یعنی چه؟ یعنی شفای روح و دل؛ این معنای تزکیه است. دل انسان، روح انسان، جان انسان از آن بیماری‌هایی که به بعضی‌اش اشاره کردم، شفا پیدا میکند؛ این میشود تزکیه؛ قرآن این کار را میکند، تلاوت قرآن، تزکیه ایجاد میکند. وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ؛ کتاب را به آنها تعلیم میدهد. کتاب چیست؟ کتاب عبارت است از آن قواری زندگی فردی و اجتماعی؛ آنچه خدای متعال اسم آن را در تعبیرات قرآنی و دینی گذاشته‌اند «حق». کتاب یعنی قواری کلی زندگی فردی و اجتماعی؛ شکل زندگی اجتماعی و فردی، مجموعه‌ای است که «کتاب» متضمن آن است، مبین آن است، عبارة آخرای آن است. وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ؛ (۴) حکمت چیست؟ معارف، شناخت حقایق عالم وجود؛ که حقایق عالم وجود را انسان بشناسد؛ تلاوت کتاب، اینها را به ما یاد بدهد.

يَتْلُوا عَلَيْهِمْ؛ پیغمبر قرآن را بر مردم تلاوت میکند، برای اینکه این چند کار انجام بگیرد: «تزکیه، تعلیم کتاب، تعلیم حکمت». شما چه کار میکنید؟ شما قراء همان کار پیغمبر را میکنید؛ شما هم تلاوت میکنید. کار تلاوت، کار پیامبرانه است؛ تلاوت قرآن این قدر اهمیت دارد؛ اینکه شما بتوانید مفاهیم قرآنی را به مسلمات فکری آحاد مردم تبدیل کنید. هزاران عنوان و سرفصل مهم در قرآن وجود دارد؛ مثلاً فرض بفرمایید «لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (۵) یا «حَذِّ الْعَفْو» (۶) یا «اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا»؛ (۷) همه‌ی اینها عناوین و سرفصل‌ها است. یکی از وظایف و یکی از کارکردهای تلاوت شما – اگر درست انجام بگیرد – این است که این مفاهیم را تبدیل میکند به مسلمات فکری جامعه؛ برای جامعه جا می‌افتد که باید قیام به قسط کرد؛ باید ذکر خدا کرد: اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا؛ باید در بین برادران عفو کرد: حَذِّ الْعَفْو؛ باید «فَلْيُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ»؛ (۸) و بقیه‌ی مفاهیمی که در قرآن وجود دارد. این مبالغه نیست: هزاران عنوان و مطلب و سرفصل در قرآن وجود دارد که اینها میتواند تبدیل بشود به معارف فکری عامه‌ی مردم و عموم مردم؛ چه چیزی این کار را میکند؟ تلاوت خوب. [آن وقت] سواد قرآنی مردم بالا میرود و آن جوری فکر میکنند که قرآن دستور داده.

معمولاً انسان هر جور که فکر میکند، همان جور حرکت میکند و راه میرود. بنابراین، تلاوت قرآن و قرائت قرآن و این کاری که شما میکنید، یک چنین اهمیتی دارد، یک چنین معجزه‌ای میکند، یک چنین کار بزرگی را انجام میدهد؛ اما با رعایت آداب تلاوت؛ شرطش این است. این، آن چیزی است که تکلیف شما را سنگین میکند؛ باید آداب تلاوت را مراعات کنید.

اولین ادب این است که وقتی تلاوت میکنید قرآن را – چه خودتان در خانه، یا در بین جمع در اینجا و هر جای دیگر – بدانید که در حضور خدا هستید، دارید کلام او را بر ما میخوانید؛ توجه داشته باشید که در حضور خداوند، دارید گفته‌ی او را به ما میرسانید، حرف او را به ما میرسانید. این یک احساسی به شما میدهد؛ این خیلی مهم

است. اول این است.

قرآن را با توجه به معنا بخوانید. من امروز دیدم بعضی از برادران این را خوب رعایت کردند و این تلاوتهایی که انجام گرفت، با توجه به معنا بود. گاهی اوقات توجه به معنا نیست، تلاوت اثر نمیگذارد. توجه به معنا که داشته باشید و بدانید که چه حقیقتی دارد از حنجره‌ی شما خارج میشود – توجه به معنا یعنی این – این اثر میگذارد. ممکن است کسی عرب‌زبان باشد و عربی زبان مادری‌اش باشد، اما توجه نداشته باشد که چه دارد میگوید؛ یعنی این مهم است که بدانیم چه داریم میگوییم؛ توجه به معنا یعنی این.

و با ترتیل بخوانید قرآن را. ترتیل البته امروز در اصطلاح رایج بین ماها همین تلاوتهایی است که در این جلسات قرآنی، چند نفر می‌نشینند ترتیل میخوانند، میگویند ما ترتیل میخوانیم؛ ترتیل این نیست. [اینکه میفرماید] «وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِیْلًا»، (۹) ترتیل به معنای این است که قرآن را با فهم، با تدبّر، با مکث [بخوانیم]: «وَقْرَأْنَا قُرْآنَهُ تَرْتِیْلًا عَلَى النَّاسِ عَلَى مَكْثٍ»؛ (۱۰) ترتیل این است. ترتیل یک امر معنوی است. بدانید که چه کار دارید میکنید، چه دارید میخوانید، چه دارید تحویل طرف مقابل میدهید و با چه قالبی دارید آن را تحویل میدهید؛ این هم مهم است که حالا به این هم شاید اشاره بکنم. ترتیل این است. البته به شیوه‌ی متعارفی که حالا در بین قراء معروف و کسانی که در قرائت کتاب نوشته‌اند [رایج است]، تلاوت قرآن یا به صورت «تحقیق» است یا به صورت «تدویر» است یا به صورت حذر یا «تحدیر» است. تدویر همان حدّ وسط است، همان که ما امروز به آن میگوییم ترتیل؛ اسم علمی و فنی این، تدویر است؛ بالاتر از این، تحقیق است که همین تلاوتهایی است که شما میکنید؛ پایین‌تر از آن، حذر یا تحدیر است که تند خواندن و سرعت خواندن قرآن است. اگر قرآن با ترتیل خوانده بشود – به همین معنایی که عرض کردیم، نه به آن معنایی که رایج است – آن اثر را خواهد گذاشت. حالا من اینجا داخل پُرانتز بگویم که قرآن خواندن به همین شکل تدویر که ما به آن میگوییم ترتیل، خیلی کار مهمی است، خیلی کار جالبی است. اینکه الان رایج شده در همه‌ی کشور، در مشهد، در قم، در جمکران، در خوزستان در اهواز، در طبرس، در همه‌جا میخوانند قرآن را که در تلویزیون پخش میکنند، این کار خیلی باارزشی است، کار خیلی خوبی است. شاید من نتوانم آن شادی و خرسندی فوق‌العاده‌ی خودم را تصویر کنم برای شما، آن وقتی که میبینم قراء مختلف و گوناگون می‌آیند می‌نشینند قرآن را میخوانند، هم تجویدی، هم با وقف و ابتداء صحیح، هم با مخارج حروف زیبا و صحیح؛ این خیلی فوق‌العاده است، این خیلی خوب است؛ این هر چه بیشتر رواج پیدا کند خوب است. علی‌ای‌حال، بنابراین ترتیل به آن معنایی که عرض کردیم، آن شرط تأثیرگذاری تلاوت ما است.

نکته‌ی سوّم، هدف قاری در تلاوت اولاً عبارت باشد از بهره‌مندی خودش. شما که قرآن میخوانید، در درجه‌ی اول در نظر بگیرید که خودتان را بهره‌مند کنید. در درجه‌ی بعد مخاطبتان را بهره‌مند کنید. در درجه‌ی سوّم آرایش‌های لازم قالبی و لفظی را متناسب با قرآن ارائه بدهید؛ این آرایشها، اینهایی که میخوانند، صداها، خوب، اصوات زیبا و شیوه‌های خوبی که میخوانند، عیبی ندارد. که خب خوشبختانه من میبینم در بین قراء خودمان، کسانی که حالا در تلویزیون یا این‌جوری پخش میشود که ما احیاناً مشاهده میکنیم، خیلی‌شان تلاوتهایشان، لحنهایشان، لحنهای تقلیدی نیست؛ لحنهایی است که خودشان ابتدائاً این لحن را دارند ابداع میکنند. قدیمها – اوایل انقلاب – قراء ما بایستی از یکی از این قراء معروف مصری تقلید میکردند؛ یا از عبدالباسط، یا از مصطفیٰ اسماعیل و منشاوی و امثال اینها؛ امروز میبینم نه، [این‌جور نیست]. البته تقلید هم اشکالی ندارد؛ یعنی کسانی که از یک صوتی تقلید میکنند و لحن یک قاری خوبی را تکرار میکنند و فرامیگیرند و آن را تقلید میکنند، این اشکالی ندارد، این هیچ عیبی ندارد؛ اما امروز در کشورمان بحمدالله قراءمان خودشان ابداع لحن میکنند؛ انسان این را در بعضی از قراء مشاهده میکند. خب پس بنابراین اگر چنانچه شما هدفتان در درجه‌ی اول خودتان باشد، که خودتان تحت تأثیر قرار بگیرید، در درجه‌ی بعد هدف این باشد که مخاطب تحت تأثیر قرار بگیرد – اگر این شد – آن وقت آن مستمع شما هم

خشوع پیدا میکند. خشوع مستمع در مقابل قرآن، ناشی از نوع تلاوت شما است؛ شما وقتی خوب تلاوت میکنید – «خوب» به همین معنایی که عرض کردم – دل مستمعان را خاشع میکنید. این خشوع خیلی چیز باارزش و مهمی است؛ حالت ذکر پیدا میشود؛ اذکروا الله ذکرًا کثیرًا * وَ سَبِّحُوهُ بُکْرَةً وَ اَصِيلاً؛ (۱۱) این تسبیح و این ذکر و این خشوعی که بر اثر تلاوت در دل شما به وجود می‌آید، این خیلی چیز باارزشی است، ما به این احتیاج داریم.

البته یک مسئله در کشور ما و کشورهای غیر عرب، مسئله‌ی فهم معانی است، که این مشکل را باید یک جوری حل کنیم؛ این جزو مشکلاتی است که ما مبتلا هستیم. حالا امروز خوشبختانه خیلی فرق کرده؛ قراء ما که میخوانند، آدم میفهمد که توجه دارند به معانی، معانی را میفهمند و دارند حرف میزنند با انسان. در اوایل انقلاب این جور نبود؛ تلاوت میکردند، معنایش را هم نمیفهمیدند؛ نتیجه این میشد که در کیفیت خواندن، در قوای خواندن، در وقف و ابتداء و امثال اینها، خیلی اشکال به وجود می‌آمد. امروز بحمدالله خوب است، منتها باید این عمومیت پیدا کند؛ یعنی باید مستمع شما هم وقتی که قرآن را می‌شنود، بفهمد شما چه میگویید؛ ولو فی الجمله متوجه بشود که شما چه میگویید. این احتیاج دارد به کار، کارش هم به عهده‌ی آموزش و پرورش و سازمان تبلیغات و دستگاه‌های قرآنی است که به کار قرآن اشتغال دارند. اینها بنشینند فکر کنند شیوه‌هایی را حقیقتاً پیدا کنند. البته یکی از راه‌ها نوشتن ترجمه است که مینویسند و خوب است؛ راه‌های دیگری هم وجود دارد که بایستی بگردند و آنها را کشف کنند. این سیرت قاری بود، دل قاری بود؛ گفتیم قاری با شرایطش باید قرآن بخواند.

صورت قاری هم مهم است؛ اولاً حالت اهل صلاح در قاری باشد. اول انقلاب هر قاری‌ای که از فلان کشور میخواست بیاید اینجا، یکی از شرط‌هایی که ما گفته بودیم باید با او بشود، این است که ریش بگذارد؛ چون آنها تراشیدن ریش را حرام نمیدانند، میتراشند ریش را؛ آخوند است، اما ریش تراش است. شرط میکردیم که تهران که می‌آیید، ممنوع است؛ همه‌شان قبول کردند؛ یعنی من یادم نمی‌آید موردی را که [قبول نکرده باشد]. قاری‌های متعددی آمدند؛ قراء معروف، به اصطلاح قراء نامدار امروز که غالباً هم از دنیا رفته‌اند، اینها همه ریش گذاشتند؛ هیچ کدامشان هم در آنجایی که میخوانند و جاهای دیگر و کشورهای دیگر، ریش نداشتند، اینجا ریش داشتند. این اهل صلاح بودن خیلی مهم است. قاری خود ما این را باید رعایت بکند. چون محاسن، شکل اهل صلاح است، شکل صالحین است؛ این را قاری حتماً رعایت کند؛ بخصوص آن قاری‌ای که در تلویزیون یا در مجامع عمومی یا در مسجد و جای دیگر میخواند بخواند.

مسئله‌ی لباس هم همین جور است. من به یکی از دوستانی که در مسافرتها میرفتند، خبر در کشورهای مختلف، از قراء ما استقبال میشود، خیلی تحسین میکنند و استقبال میکنند؛ بعضی از قراء ما لباس آنها را میپوشند؛ گفتم چرا؟ چرا لباس آنها را میپوشید؟ شما ایرانی هستید؛ همین کت و شلوار خودتان را بپوشید؛ حداکثر این است که مثلاً یک عبا بر دوش ببندازید. یا کلاه آنها را سرشان میگذارند، لباس آنها را تنشان میکنند؛ یا لباس فلان قاری مصری را که حالا آن هم خودش محل حرف است، مثلاً تنش میکند! چه لزومی دارد؟ این ظواهر را حفظ کنید؛ [یعنی] امتیاز ایرانی بودن.

یک مسئله هم در این صورت قرائت، نپرداختن به الحان حرام است. توجه داشته باشید؛ من آن جلسه‌ی گذشته، به نظرم سال گذشته بود (۱۲) که اسم آوردم از بعضی از قراء؛ گفتند این [شخصی که] شما اسم آوردید طرفدار زیاد دارد؛ خوب بله میدانیم طرفدار زیاد دارد؛ ما خودمان هم از خواندنش خوشمان می‌آید منتها گاهی اوقات خواندن او جوری است که انسان میبیند مثلاً فرض بفرمایید که با خواندن فلان خواننده‌ی مصری هیچ تفاوتی ندارد؛ مثل همان است، همانها را دارد میخواند. خوب، این الحان قرآنی نیست؛ لحن قرآنی لحن دیگری است، منافات هم ندارد با خوب خوانی. الان همین شماها که اینجا خواندید، همین قراء خوب ما و کسانی که خوب‌تر از اینها

میخوانند، الحان بسیار خوبی دارند، خوب هم میخوانند، زیبا هم هست، شیرین هم هست، انسان دلش میخواهد گوش بدهد، حرام هم نیست؛ بنابراین، میشود از الحان حرام اجتناب کرد.

عرض کردیم تقلید در شیوهی تلاوت عیب ندارد، ولیکن اینکه ما تلاش کنیم و جشنواره بگذاریم برای تربیت مقلد، این را من حقیقتاً نفهمیدم؛ نمیدانم این ابتکار کجا است که مثلاً حالا ما بنشینیم یاد بدهیم که اگر میخواهید مثل شیخ مصطفی^۱ اسماعیل بخوانید، باید اینجایش را این جوری بخوانید! من نمیفهمم این یاد دادن چه لزومی دارد؛ حالا خودش یاد گرفت، خیلی خوب است، عیب ندارد. ضمناً نوارهای مصطفی^۱ اسماعیل را در مشهد، اوّل بنده آوردم؛ یعنی سفارش کردم از کشورهای عربی آوردند پخش کردیم. مصطفی^۱ اسماعیل را نمی شناختند در مشهد. [یعنی] من علاقه مندم به خواندن او و تلاوت او، اما اینکه ما بیاییم به بچه مان یاد بدهیم بگوییم تو بیا از او تقلید کن یا از منشاوی یا احمد شبیب یا از آن دیگری، این به نظر من یک کاری نیست که خیلی منطقی باشد.

یک نکته این است که دستگاههای مختلفی متولی مسئلهی قرآنند و با قرآن سروکار دارند؛ وزارت ارشاد با قرآن سروکار دارد، سازمان تبلیغات سروکار دارد، اوقاف سروکار دارد، صداوسیما سروکار دارد، دستگاههای مختلف دیگر هم هستند، آحاد مردم و گروههای مردمی هم سروکار دارند؛ خب اینها هم افزایی کنند. راه هم افزایی اش هم این است که این شورای عالی قرآن که تشکیل شده، سیاست گذاری میکند؛ این سیاست گذاریها را مورد توجه قرار بدهند؛ این کار مهمی است، کار مفیدی است؛ یعنی جوری باشد که در سراسر کشور، کار قرآنی که پیش میرود، با توجه به جهات مختلف و مسائل مختلف [باشد]. من دیدم بعضی از اساتید قرآن مذاکراتی کرده بودند – که آقایان در اختیار من گذاشتند بعضی اش را – مطالب مهمی، مطالب قابل توجهی از مسائل قرآنی را، مسائل تلاوت را اینها در میان گذاشتند، به آن توجه داشتند، روی آن تکیه کردند، اهتمام ورزیدند؛ خب اینها مورد استفاده قرار بگیرد. بخصوص، صداوسیما باید از تولیدات فاخر قرآنی استقبال کند؛ یعنی بایستی واقعاً پشتیبانی کند. ما واقعاً در زمینهی تلاوت قرآن، الان تولیدات خیلی خوبی داریم، تولیدات برجسته ای داریم؛ از اینها استفاده بشود و مردم استفاده کنند.

خوشبختانه پیشرفت کشور ما از لحاظ قرآن یک پیشرفت سریع و به نسبت کشورهای دیگری که ما می بینیم، بر مراتب سریع تر بوده؛ یعنی در کشوری که قرآن در آن مهجور بود، تلاوت قرآن محدود بود و در شهرهای بزرگ، دو جلسه، سه جلسه یا پنج جلسه قرآن بود و حداکثر مثلاً شش هفت قاری قرآن وجود داشتند که قرآن را خوب میخواندند، تجویدی میخواندند، امروز خوشبختانه در سراسر کشور، حتی در شهرهای کوچک و شاید در بعضی از روستاها قراء خوبی هستند، قراء برجسته ای هستند که تلاوت میکنند. خب اینها برجستگی ما است و نمیتوانند ادعا کنند که جمهوری اسلامی از لحاظ قرآنی نتوانسته کار بکند؛ نه، بحمدالله خیلی خوب کار شده و بیشتر از این هم باید کار بشود. منتها این نکاتی که عرض کردم، باید مورد توجه قرار بگیرد؛ یعنی عمده این است که چشمه ی معنوی قرآن سرازیر بشود به افکار مردم، به دلهای مردم و در نتیجه به عملهای ما مردم سرازیر بشود؛ عمده این است. خداوند ان شاء الله این توفیق را به شماها و همه ی ما عنایت کند.

مجدداً از همه ی شماها تشکر میکنم. از تشکیل دهندگان این جلسه تشکر میکنم. از مجری محترم (۱۳) که خیلی خوب جلسه را اجرا کردند تشکر میکنم. از یکایک کسانی که تلاوت کردند یا برنامه اجرا کردند تشکر میکنم. ان شاء الله همه ی شما موفق باشید.

والسلام علیکم ورحمة الله و بركاته

۱ در ابتدای این دیدار، تعدادی از قاریان و گروههای قرآنی به تلاوت قرآن و اجرای برنامه پرداختند.

۲ آقای جواد روحانی نژاد

۳ آقای علی مختاری امیرمجدی

۴ سوره ی جمعه، بخشی از آیه ی ۲

۵ سوره ی حدید، بخشی از آیه ی ۲۵ ؛ «... با آنها کتاب و ترازو را فرود آوردیم تا مردم به انصاف برخیزند...»

۶ سوره ی اعراف، بخشی از آیه ی ۱۹۹ ؛ «گذشت پیشه کن...»

۷ سوره ی احزاب، بخشی از آیه ی ۴۱ ؛ «... خدا را یاد کنید ؛ یادی بسیار.»

۸ سوره ی نساء، بخشی از آیه ی ۷۴

۹ سوره ی مزمل، بخشی از آیه ی ۴ ؛ «... و قرآن را شمرده شمرده بخوان.»

۱۰ سوره ی اسراء، آیه ی ۱۰۶ ؛ «و قرآنی [باعظمت را] بخش بخش [بر تو] نازل کردیم تا آن را به آرامی بر مردم بخوانی، و

آن را بتدریج نازل کردیم.»

۱۱ سوره ی احزاب، بخشی از آیه ی ۴۱ و آیه ی ۴۲ ؛ «... خدا را یاد کنید، یادی بسیار ؛ و صبح و شام او را به پاکی

بستایید.»

۱۲ بیانات در جمع قاریان قرآن کریم، در اوّلین روز ماه مبارک رمضان (۱۴۰۲/۱۲/۲۲)

۱۳. آقای مجید یراقبافان